

به نام خدا

**بررسی موضوعی مکاتیب و منشآت  
ابوالحسن میرزا رحیم یغمای جندقی  
(نامه ۱۰۰)**

مؤلف :

**حسن رحمانی اینچه شهابز**

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

[chaponashr.ir](http://chaponashr.ir)

سرشناسه: رحمانی اینچه شهابز، حسن، ۱۳۷۲-  
عنوان و نام پدیدآور: بررسی موضوعی مکاتیب و منشآت ابوالحسن میرزا رحیم یغمای جندقی (نامه  
۱۰۰)/مؤلف حسن رحمانی اینچه شهابز.  
مشخصات نشر: ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.  
مشخصات ظاهری: ۱۹۰ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۸۶۷-۴  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه: ص ۱۹۱-۱۸۸.  
موضوع: ابوالحسن میرزا رحیم یغمای جندقی - مکاتیب و منشآت - بررسی موضوعی  
رده بندی کنگره: KZ۷۳۱۴  
رده بندی دیویی: ۳۴۵/۰۳  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۷۹۹۸۰  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: بررسی موضوعی مکاتیب و منشآت ابوالحسن میرزا رحیم یغمای جندقی (نامه ۱۰۰)

مؤلف: حسن رحمانی اینچه شهابز

ناشر: ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

چاپ: زبرجد

قیمت: ۱۷۳۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<http://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۸۶۷-۴

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



## فهرست مطالب

۵.....	فصل اول
۵.....	کلیات
۵.....	مقدمه
۱۱.....	مبانی نظری، مفاهیم، دیدگاهها
۱۱.....	بخش اول :
۱۱.....	تعریف و انواع جامعه شناسی
۱۱.....	تعریف جامعه
۱۲.....	انواع جامعه
۱۳.....	جامعه شناسی ادبیات
۱۵.....	بخش دوم :
۱۵.....	وضعیت نثر فارسی در دوره قاجار، ویژگی ها
۱۵.....	نثر فارسی ، پیشینه، انواع
۱۵.....	نثر فارسی در دوره قاجار
۱۶.....	ویژگی های نثر در دوره قاجار
۱۷.....	سره نویسی در دوره قاجار
۱۹.....	تحول نثر فارسی در دوره قاجار
۱۹.....	مهم ترین علل تغییر نثر فارسی در دوره قاجار
۱۹.....	تاریخچه نامه نگاری
۲۰.....	نامه نگاری در دوره قاجار
۲۱.....	نامه نگاری از نگاه یغما
۲۱.....	منشآت
۲۲.....	ویژگی منشآت یغما
۲۲.....	منشآت یغما
۲۳.....	بخش سوم :
۲۳.....	زندگینامه و آثار یغمای جندقی
۲۴.....	زندگینامه یغمای جندقی
۲۵.....	آثار منظوم یغمای جندقی

۲۶	سبک و نثر یغما
۲۶	نمونه نثر یغما
۲۸	بخش چهارم :
۲۸	وضعیت اجتماعی- فرهنگی و سیاسی و اقتصادی دوره قاجار
۲۸	وضعیت اجتماعی در دوره قاجار
۲۹	وضعیت فرهنگی در دوره قاجار
۳۰	وضعیت سیاسی در دوره قاجار
۳۲	وضعیت اقتصادی در دوره قاجار
۳۴	یادداشت ها
۳۵	فصل سوم:
۳۵	تحلیل و بررسی موضوعی نامه ها
۳۵	بخش اول:
۳۵	نامه های سیاسی
۳۷	بخش دوم :
۳۷	نامه های اقتصادی
۱۱۳	یادداشت ها :
۱۱۳	نامه های اقتصادی
۱۱۳	نامه های فرهنگی - اخلاقی
۱۱۵	نامه های دینی
۱۱۷	بخش پنجم:
۱۱۷	صد نامه منتخب از یغمای جندقی
۱۸۵	فصل چهارم
۱۸۵	نتیجه گیری

# فصل اول

## کلیات

### مقدمه

یغمای جندقی، شاعر و نویسنده برجسته ایرانی در قرن سیزدهم هجری است. وی، به گواهی مکاتیب و منشآت بسیاری که از وی به یادگار مانده است، از جمله کسانی است که به نهضت سره نویسی فارسی در قرن سیزدهم همت گماشتند و کوشیدند تا در آثار منثور خود، استفاده از زبان و همچنین فرهنگ عربی را به حداقل برسانند.

«سره گرایی مسئله ای زبانی است که با مسائل بسیاری از جمله ملیت، تاریخ ادبیات، جامعه شناسی، روانشناسی و... پیوندی نزدیک دارد؛ اندیشه سره گرایی همواره در تاریخ همه اقوام وجود داشته است، از اینرو پدیده‌های نو به شمار نمی رود. با این حال در برهه ای از تاریخ جهان به ویژه در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی این پدیده نمود بیشتری یافته است.» (عطفی، ۱۳۹۰: ۱۶۲)

«در حقیقت این شیوه نگارش که در آن به پاکسازی زبان فارسی از عناصر بیگانه و به طور خاص واژگان، اصطلاحات و عناصر زبان عربی تأکید می شود، به موازات پیدایش و گسترش نهضت تجدد خواهی، شکل گیری نخستین حلقه های روشنفکری و رواج تدریجی اندیشه های جدید به ویژه اندیشه ناسیونالیسم، در دایره اهتمام و بحث و گفتگوی جدی برخی از نویسندگان نظریه پردازان ادبی قرار گرفته است.» (صدری نیا، ۱۳۸۸، ۱۰۰).

در این قرن همزمان با زندگانی یغما، این سلیقه و روش در میان برخی نویسندگان باب شد و غیر از یغما کسان دیگری نیز بوده اند که این شیوه را در پیش گرفتند. سره نویسی در این عصر در حقیقت واکنشی بود در برابر نثر مصنوع و پر تکلف آن روزگار. یغما، در یکی از نامه هایی که برای میرزا احمد صفایی، یکی از فرزندان، نوشته به این جریان «نوبر» اشاره کرده است: این شیوه به کیش دانش اندوزان و هنرآموزان، تازه کاری و نویر شماری است؛ گروهی انبوه نگارندگان قزوین و ری و گذرندگان اصفهان و جی بر این منش رخت نهاده اند و در این روش سخت ایستاده، داستان های ژرف پرداخته اند و کاخ های شگرف افراخته». (یغما، ۸۵-۸۶؛ ۱۳۶۲).

در راستای همین نهضت فرهنگی زبانی است که یغمای جندقی نیز کوشیده است تا به سهم خود و برای پیشبرد اهداف این جنبش، برخی از مکتوبات فراوان خود را به پارسی سره بنویسد؛ یغما این نامه ها را بسیط یا پارسی نگار نامیده، نه تنها خود به نگارش آنها اقدام می ورزیده، بلکه شاگردان و فرزندان خود را نیز بدین کار تشویق می نموده است. وی برای پیشبرد این هدف، تنها به تحقیق و تتبع در دواوین استادان سخن قناعت نکرد، بلکه فرهنگ بزرگ برهان قاطع را با دقت و حوصله زیاد تفحص کرد و حتی ظاهراً تکمله هایی بر آن نوشت؛ علاوه بر منشآت، یغما با همکاری فرزندش، احمد صفایی، فرهنگی تألیف کرد که خاص اصطلاحات و کنایات زبان فارسی بوده است.

ادبیات و نثر دوره قاجار سرگذشتی شنیدنی و جالب توجه دارد تلاش برای بازگشت به دوران قدرتمند شاعری گذشته و نثرهای پیشین از ویژگیهای این دوره است. آثار این دوره را نویسندگانی پدید آورده اند که نگرش خاصی داشتند، به نبوغ ذاتی و پشتوانه فرهنگی، مایه و ذوق ادبی متکی بودند و مشکلات و درد عقب ماندگی جامعه را درک می کردند. این نوع رویکرد در نهایت، به گسترش نثر انجامید و توانایی آن را برای بیان بسیاری از مسائل ذوقی، علمی و ادبی و ایجاد انواع جدید یا تکامل و تطور انواع پیشین نشان داد. ویژگی مشترک این آثار، رویکرد انتقادی است که اغلب با زبان طنز بیان شده است و نویسندگان آنها با به کارگیری زبانی شیوا و همه فهم، چاره ای برای پیشرفت و رهایی از عقب ماندگی می جستند نکته دیگر در

این عصر شکل گیری پیوند محکم بین مسائل سیاسی و اجتماعی در جامعه ادبی بود که بسیاری بر فضای ادبی داشت. " (جهانگرد، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۳)

در حقیقت تحت شرایط و مقتضیات زمان «زمینه برای تحول ادبی و تغییر سبک در دو حوزه نظم و نثر فراهم شد. همچنانکه شعر این دوره تجدید عهدی با شعر استادان خراسانی و عراقی بود، نثر رسمی آن هم تجدید عهدی با نثر قدما شد و شک نیست که در نثر هم مثل شعر این بازگشت اجتناب ناپذیر بود و مولود عوامل و اسباب مربوط به تحول زمانه بود و تاپایان عهد قاجار و اوایل عهدی که منجر به نهضت مشروطه شد، نیز دوام این عوامل بقای این سبک را الزام می کرد. ساده نویسی که مخصوصا مولود حیات اجتماعی تازه و تبدیل سبک تربیت و تا حدی ناشی از نویسندگی جراید بود، این شیوه را ترویج و توجیه کرد و عوامل دیگر هم موجبات تسریع این تحول را فراهم آورد.» (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۱۲).

لازم به ذکر است که مفهوم "بازگشت ادبی در حوزه نثر به اندازه شعر بارز نیست. زیرا نویسندگان بیشتر نگرش و بینش پیشینان را در شیوه نوشتار، با به کارگیری اصطلاحات رایج و زیبانگرد زمان خود در قالب جمالتی استوار و استخوان دار، سرمشق خود قرار دادند. به عبارت دیگر در این حوزه در بسیاری از مطالب که در این زمان مطرح می شد، نمونه های کاملی در ادبیات قدیم وجود نداشت و به جای آنکه ذوق عامه قید و سدی در راه پیشرفت نویسنده ایجاد کند، اینجا نویسنده بود که با دادن نمونه های جدید ادبی ذوق عموم را پرورش می داد و رهبری می کرد.» (خانلری، ۱۳۶۹، ج ۳: ۲۸۰)

نکته جالب توجه دیگر چشمگیر بودن فراوانی انواع نثر در این دوره است. شاید بتوان گفت «هیچ یک از ادوار ادبی ایران از حیث نثر، این قدر پرمحصول و برومند نبوده و تا این درجه از جهت مضمون و مطلب تنوع نداشته و در بسیاری از رشته ها بهترین نمونه های ادبیات ایران در این دوره به وجود آمده است.» که در آن میان نامه نویسی هم از تنوع موضوعی خوبی برخوردار است. (همان: ۱۳۱)

نثر این دوره از لحاظ گرایش به سنت و مدرنیته نثر دوره انتقال و وداع با سنت های کهن نویسندگی، آوردن بیتها و عبارتهای مغلط و پیچیده عربی و استفاده از سرمشق های دقیق و سیر

به سوی سادگی به شمار می آید. کاربرد آرایه‌ها، سجع‌ها و قرینه‌ها که به شعرگونگی آثار مشهور کمک می کرد جای خود را به استفاده از تعبیرات عامیانه و محاوره ای و جملات کوتاه داد (جهانگرد، ۱۳۸۴: ۱۰) در حقیقت «کوششی که در پایان قرن دوازدهم برای تصفیه و اصلاح نثر فارسی شده بود سرانجام در قرن سیزدهم نتیجه قطعی داد و در این قرن روز به روز نثر بیشتر رو به سادگی و روانی رفته و روش های ناپسندیکه در قرون پیشین رواج کامل داشت بیش از پیش متروک مانده است.» (نفیسی، ۱۳۳۰: ۱۶) با دور شدن تدریجی نثر فارسی در اوایل دوره قاجار از سستی وضعف رایج دوره صفوی و رهایی تقریبی آن، از به کارگیری لغات مشکل عربی و سجع‌های پیاپی و استعاره‌های پیچیده ادامه حیات آن به چند صورت امکانپذیر شد که از آن میان می توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- تاریخ نویسی ۲- طنز ۳- نثر انتقادی ۴- نثرهای سره ۵- نثرهای علمی ۶- نثرهای منشیانه (زرین کوب، ۱۳۷۱)

یغمای جندقی، رحیم (۱۱۹۶-۱۲۷۶ ق)، نیز به عنوان یکی از شاعران و نویسندگان صاحب قریحه عصر قاجار دارای آثار ارزشمندی به نظم و نثر است که بررسی موضوعی و محتوایی آنها از منظر جامعه شناسی ادبیات تصویر روشنی از وضعیت جامعه در روزگار قاجار را در معرض دید خواننده قرار خواهد داد. این شاعر ایرانی از کودکی نزد امیر اسماعیل خان عامری حاکم جندق پرورش یافت و مدتی منشی او بود. اثر هجو آمیزش به نام سرداریه را در روزهایی که در دستگاه سردار ذوالفقار خان سمنانی خدمت می کرد پس از آن که به دستور ذوالفقارخان زندانی و سپس آزاد شد، نام خود را به ابوالحسن و تخلص خود را از مجنون به یغما تغییر داد. از آن پس در سلک درویشان در آمد و به بغداد رفت. از آنجا به تهران رفت و به معرفی حاج میرزا آغاسی وزیر به دربار محمد شاه قاجار و حکومت کاشان راه یافت. هزل، هجو و انتقاد مایه شعر و نثر اوست. در قالب غزلیات، قطعات، ترجیعات و رباعیات هزلیات بسیار دارد. مرثیه های او سبک تازه ای دارد و بیشتر نوشته هایش به فارسی سره است. نوآورترین شاعر مکتب بازگشت بود و بسیار به زبان عوام توجه نشان داد. مکتوب کردن نوحه‌های سینه زنی از ابداعات اوست. و شیوع تصنیف را برای نخستین بار وی به کار گرفت. از خوش‌نویسان عصر خود بود. برهان قاطع را استنساخ کرده و لغاتی بر آن افزوده است. (ر.ک: دانش گستر، ج ۱۸: ۴۲۵)



آثار یغما را می‌توان در دسته بندی زیر گنجانند:

۱- غزلیات معمولی که به سبک و شیوه قدما سروده و می‌رساند که او در هنر شاعری قدرت و استعداد کافی داشته است.

۲- هزلیات، که جالبترین بخش اشعار اوست و یغما شهرت خود را در حقیقت مرهون آنهاست این نوع اشعار وی عبارتند از:

الف. سرداریه برای سردار ذوالفقارخان با کلماتی رکیک و قبیح که به مدح سردار ختم می‌شود.  
ب. قصابیه.

ج. احمدا؛ که این دو از حیث شکل و مضمون مانند سرداریه است.

د. خلاصه الافتضاح، درباره رویداد کاشان.

ه. صکوک الدلیل در هجو رستم السادات.

۳. اشعار یاس‌آلود، در این نوع اشعار یغما از جوش و خروش پیشین خبری نیست. توهین و تحقیر به آن حدت و شدت سابق دیده نمی‌شود و قسمتی از آنها لحن عارفانه دارد. گویی که یغما هیچ‌گونه امید و آرزویی ندارد و زندگانی در نظر وی بی ارزش و اعتبار است.

۴. مراثی که بیشتر آنها در قالب مستزاد است. این اشعار آبخشور سروده‌های دوره مشروطیت است.

مجموعه آثار یغما در دو جلد با تصحیح سید علی آل داود به چاپ رسیده است که جلد یکم شامل سروده های او (۱۳۵۷ ش) و جلد دوم مکاتیب و منشآت (۱۳۶۲ ش) وی است. (سبحانی، ۱۳۹۰: ۴۶)

منشآت و مکاتیب بخش دیگری از آثار او را تشکیل می‌دهد. یغما به شیوه برخی از نویسندگان هم عصر خود که می‌کوشند سره نویسی را در ادبیات روزگار قاجار متداول سازند این شیوه را در مکاتیب و منشآت خود به کار می‌گیرد و می‌کوشد در آثار خود به آهنگین بودن کلام توجه کند البته "همه منشآت و مکاتیب او سره نیستند سره نویسی تنها قیدی نیست که یغما بر نثر خود تحمیل می‌کند وی اصرار در سجع بندی و کاربرد زبان آهنگین هم دارد. یغمای جندقی شاعر است در نثر هم علاقه مند به آوردن آرایه ها، سجع ها و قرینه هاست. تقریباً در تمام نامه ها، سره

و غیره سره، سجع گرایي وجود دارد. سجع‌بندی با کلمات فارسی سره و حذف بخش بزرگی از کلمات عربی که برای قافیه‌سازی و سجع‌پردازی مناسب هستند، از سویی کار او را در نویسندگی بسیار دشوار ساخته و از سوی دیگر باعث پیدایش سجعهای بدیع و زیبا و بی سابقه ای شده است. (ر.ک: جهانگرد، ۱۳۸۴: ۲۶۵). مکاتیب و منشآت هر دوره از ادب فارسی اگر با اهداف سیاسی تحریر نشده باشد در اغلب موارد، به دلیل دارا بودن صورت غیر رسمی می تواند برداشت و تحلیل شخصی نویسنده و نگاه بی طرف او به ساختار و شرایط مساعد یا نامساعد فرهنگی، اقتصادی و ... جامعه باشد.

در این پژوهش از منظر جامعه شناسی ادبیات به عنوان یکی از زیرشاخه های دانش جامعه شناسی، مکاتیب نویسنده مورد نظر را خواهیم کاوید چرا که معتقدیم آثار ادبی در هر دوره آینه تمام نمای حقایق آن دوره برای آگاهی آیندگان خواهد بود به بیان دیگر "در نگاه جامعه شناختی به آثار ادبی هر سرزمین می توان به فراز و نشیب های تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... آن سرزمین دست یافت. به عبارت دیگر جامعه شناسی ادبیات پل ارتباطی حال و گذشته ملت هاست به همه آیین ها، باورها و اعتقاداتشان." (پیامنی، ۱۳۹۲: ۱۵)

در این موضوع پیشنهادی بر این باوریم که می توان با بررسی موضوعی و جامعه شناختی نامه های یغمای جندقی و به یاری قلم توانای وی و از دریچه نگاه او به شناختی نسبی از ساختار نظام اجتماعی روزگار قاجار دست یافت بدین منظور از مجموع ۲۷۸ نامه یغما ۱۰۰ نامه انتخاب و بررسی خواهد شد.

## فصل دوم

### مبانی نظری، مفاهیم، دیدگاهها

#### بخش اول :

#### تعریف و انواع جامعه شناسی

##### تعریف جامعه

در دایره المعارف جامعه شناسی، دوسو گرایی یا به تعبیری دوگانگی « تناقض پایا و حل نشده میان احساسات و ایده های مثبت و منفی نسبت به یک شخص یا یک وضعیت» معرفی شده است. (Sharma, ۱۹۹۲: ۳۳).

وظیفه جامعه شناس ادبیات این است که بین تجربه های شخصیت های خیالی و فضای خاص تاریخی که منشا آن تجربه ها است رابطه برقرار کند و تاویل ادبی را به بخشی از جامعه شناسی شناخت مبدل سازد. جامعه شناس ادبیات باید بتواند براساس معادله خصوصی دور نمایه ها و فنون سبکی، معادلات اجتماعی بنویسد. (Eric, ۱۹۶۶)

«جامعه شناسی هنر و ادبیات شاخه ای از علم جامعه شناسی است که ساخت و کارکرد اجتماعی هنر و ادبیات و رابطه میان جامعه و هنر و قوانین حاکم بر آنها را بررسی می کند» در این هنگام مادام دواستال نخستین اثر در زمینه بررسی اجتماعی هنر را با نام ادبیات از منظر پیوندهایش با نهاد های اجتماعی منتشر می کند. دواستال در گفتار نخست این اثر، نظر خود را چنین بیان می کند: «من برآنم که تاثیر دین، ادب و رسوم و قوانین را بر ادبیات و متقابلا تاثیر ادبیات را بر آنها بررسی کنم.» در واقع او می خواهد کاری را که یکی از مراجع فکریش (منتسکیو

( در مورد تاریخ حقوق، با نوشتن روح القوانین انجام داد، در مورد ادبیات انجام دهد و « روح الادبیات» را بنویسد. ( اسکارپیت، ۱۳۷۴: ۱۲)

### انواع جامعه

جامعه شناسی و نظریه های ادبی به حدی گسترش یافته اند که نمی توان در یک مقاله هر چند هم طولانی - تمامی آنها را توضیح داد. بنابراین برای آنکه فهرستی از نظریه های ادبی ارائه و تنوع و گستردگی این نظریه ها را نشان دهیم، صرفا عناوین نظریه های دو کتاب را که به عنوان راهنمای نظریه های ادبی و هنری محسوب می شوند، ذکر می کنیم. ویلفرد. ال. گورین و همکارانش در کتاب راهنمای رویکرد های نقد ادبی به بررسی نظریه های زیر می پردازند: ۱- رویکردهای سنتی ۲- رویکرد های صورت گرایانه ۳- رویکرد روان شناختی ۴- رویکرد اسطوره ای ۵- رویکرد نمود گرایی ۶- رویکرد پدیدار شناختی ۷- رویکرد مارکسیستی ۸- رویکرد تاریخی ۹- رویکرد ساختار گرایانه ۱۰- رویکرد سبک شناختی ۱۱- رویکرد جامعه شناختی.

این رهیافت مبنی بر علیت اجتماعی متأثر از ماتریالیسم<sup>۳</sup> و پر آگماتیسیم<sup>۴</sup> است و دیدگاه جامعه شناسانی را شامل می شود که معتقدند جامعه در حکم علیت اجتماعی برای معرفت ها عمل می کند و همه معرفتها کم و بیش در اثر شرایط خاص اجتماعی و برای آن به وجود می آیند. برای مثال سن سیمون مبنای اجتماعی تفکر را مورد تاکید قرار می دهد و اندیشه اساسی مارکس هم بر این مبنا استوار بود که هستی اجتماعی (واقعیت اجتماعی) است که تعیین کننده و تعیین بخش هر نوع آگاهی در انسان است. محصول این دیدگاه دریافتی کلی است که طبق آن باید طرز فکر آدمیان را که ممکن است در قالب علم، دانش، هنر، فلسفه و... تجلی یابد- از راه روابط اجتماعی که خود جزئی از آن هستند - تبیین کرد. (آرون، ۱۳۶۶: ۱۶۶)

### جامعه‌شناسی ادبیات

درباره جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان یکی از شاخه‌های دانش جامعه‌شناسی تعاریف و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد برخی معتقدند " یکی از قدیم‌ترین روش‌های مطالعه در ادبیات، بررسی آن از دیدگاه علوم ادبی بوده است. در این نوع مطالعه آنچه در درجه اول حائز اهمیت است، ادبیات کلام است. یعنی اینکه صورخیال و ابزارهای بیان هنری در اثر ادبی به کار رفته است یا نه و اگر به کار رفته است تا چه حد در القای حس زیبایی و عاطفی در مخاطب موثر واقع شده است. این نوع مطالعه‌ی ادبیات، بررسی درونی ادبیات نامیده می‌شود. شیوه‌ی دیگر مطالعه و بررسی بیرونی ادبیات است. در این شیوه به کمک علوم مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حتی علوم طبیعی به بررسی ارتباط ادبیات و جامعه یا روانشناسی آفرینندگان و خوانندگان می‌پردازند. از دیدگاه علوم طبیعی نیز به بررسی نحوه‌ی تکامل آثار ادبی با توجه به فرضیات رایج در علوم طبیعی پرداخته می‌شود." (عسگری، ۱۳۸۷: ۵۵)

به بیان دیگر «جامعه‌شناسی ادبیات<sup>۱</sup>» یکی از شیوه‌های بیرونی مطالعه ادبیات است و شاخه‌ای از علوم اجتماعی است. این شاخه‌ی علمی نوپا مدت‌ها چندین مدیدی است که تولد یافته و به کندی ریشه کرده است. شاید دلیل این رشد کند و آرام این باشد که جامعه‌شناسی در این شاخه، از عینیت‌ها و مادیت‌ها فاصله می‌گیرد و به دنیای ذهنیت‌ها و آفرینش‌ها وارد می‌شود و از بیرون به درون و از عقل به احساس می‌پردازد. (غلام، ۱۳۸۳: ۱۳۵)

جامعه‌شناسی ادبیات با پذیرش این فرض آغاز می‌شود که یک اثر ادبی فرآورده یا تولید اجتماعی است. در حالی که در رهیافتهای سنتی ادبیات پدیده‌ای رمانتیک، رازآمیز و آفریده سرآمدها و نخبگان است و اساساً هنر و ادبیات را پدیده‌ای برتر از هستی، جامعه و زمان می‌شمارند، جامعه‌شناسی ادبیات تلاش می‌کند تا بسیاری از عناصر غیرزیبایی‌شناختی را که در شکل و محتوای آثار ادبی سهیم هستند نشان دهد و به ویژه بر سهم عوامل اجتماعی و چگونگی و نوع محتوا یا شکل آثار ادبی تاکید دارد. (فاضلی، ۱۳۷۴: ۱۱۱-۱۱۰)

این شاخه علمی نوپا مدت کوتاهی است که تولد یافته و به کندی ریشه کرده است. شاید دلیل این رشد کند و آرام این باشد که جامعه‌شناسی در این شاخه از عینیت‌ها و مادیت‌ها

فاصله می‌گیرد و به دنیای ذهنیت‌ها و آفرینش‌ها وارد می‌شود. رنه ولک و آستن وارن در کتاب نظریه ادبیات، جامعه‌شناسی در ادبیات را بازتاب ویژگی‌های اجتماعی هر دوره تاریخی در آثار ادبی که در آن دوره پدید آمده‌اند می‌دانند. «عده‌ای هنرمند را بیان‌کننده‌ی حقیقت و ضرورتا بیان‌کننده‌ی حقایق اجتماعی و تاریخی می‌دانند و آثار هنری را از آن جهت که یادگار دورانی هستند، سندی برای شناسایی آن دوران به حساب می‌آورند و چنین می‌انگارند که بین خالقان آثار ادبی و هنری و عصر زندگی آنان رابطه و هماهنگی وجود دارد. در نظر آنان هنر و ادبیات نه بازتاب فرایند اجتماعی بلکه جوهر، خلاصه و چکیده تاریخ است.» (ولک، ۱۳۷۳: ۱۰۰).

هیپولیس‌ت تن نیز به ارتباط بلا فصل ادبیات و جامعه عقیده دارد از نظر او " ادبیات بازتاب آداب و رفتار و خلیات عصر نویسنده است" (علایی، ۱۳۸۰: ۲۳) او آثار ادبی را نتیجه تعامل سه دسته از عوامل می‌داند: زیستی، فرهنگی و تاریخی. و بر این باور است که عوامل زیستی در نژاد، فرهنگی در محیط و تاریخی در زمان بروز می‌کنند. (همان)